روی قفسه

کتابی جدید از شاعر کوته‌سرا

سیروس نوذری شاعر و پژوهشگری که به شعرهای کوتاه و کتاب پژوهشی «کوته سرایی» مشهور است، مجموعه جدیدی به نام «چنین زیبا نباش» را به تازگی منتشر کرده است. این کتاب از مجموعه شعر امروز انتشارات سیب سرخ در ۲۳۸ صفحه منتشر شده است. این کتاب شامل ۲۳۲ شعر کوتاه است و چاپ اول آن امسال منتشر شده است.

رابطه غزلسرایان و پدر شعر نو

کتاب «غزل در سایه نیما» اثر فریبا یوسفی، به بیان آرا و پیشنهادهایی می‌پردازد که نیما در سال‌های طولانی مطالعه، سرودن و تجربه برای شعر به دست آورد. پیشنهادهای نیما یوشیج، جریان غزل را هم متحول کرد و هم شاهد ایجاد انواع غزل مانند غزل مثنوی، غزل نیمایی و غزل قطعه هستیم که در روزگار ما استفاده می‌شود و دیگر، نام و نشانی از شعر نیمایی، آن گونه که نیما خلق کرد، دیده نمی‌شود و می‌توان گفت شعر نیمایی قالب تقریبا فراموش شده شعر امروز است. این کتاب را سوره مهر در ۲۷۲ صفحه منتشر کرده است.

مثنوی با صدای ساعد

کتاب گویای مثنوی معنوی را به‌تازگی انتشارات نیستان منتشر کرده است. این کتاب صوتی با قیمت ۹۵ هزار تومان را ساعد باقری روایت کرده است و شامل دو عدد دی وی دی از اشعار مولانا جلال الدین محمد بلخی در کتاب مثنوی معنوی است. با شنیدن این کتاب گویا می‌توانید به رمز و راز درست‌خوانی شعرهای مثنوی هم دست پیدا کنید.

مجموعه رباعی به زبان کردی

دومین مجموعه شعر کردی بابک دولتی شاعر نام‌آشنای کرمانشاه، با ترجمه فارسی مریم صفرزاده به همت انتشارات دیباچه کرمانشاه چاپ و منتشر شده است.

این مجموعه «خان» نام دارد و رباعی‌های کردی شاعر را شامل می‌شود که شامل کردی رایج در ایلام و کرمانشاه و.. است.

دولتی شاعری است که در زبان فارسی هم شعرهای خوبی دارد و اگر غزل هایش را جایی دیدید، خواندنشان را از دست ندهید.

مجموعه‌ای درباره حادثه دانشگاه کابل

مجموعه شعر «جان پدر کجاستی؟»، یادمان شهدای واقعه تروریستی دانشگاه کابل به‌تازگی با گردآوری زهرا حسین‌زاده توسط انتشارات سوره مهر منتشر و راهی بازار نشر شده است.

این‌کتاب شامل ۱۱۵ شعر از شاعران نام‌آشناست که از بین بیش از ۳۵۰ اثر انتخاب شده‌اند و به موضوع واقعه تروریستی دانشگاه کابل اختصاص دارند.

پدری که دخترش در دانشگاه کابل تحصیل می‌کند، با شنیدن خبر حمله انتحاری به این دانشگاه؛ آتشی در جانش می‌افتد. پس از تماس‌های بسیار و پاسخ‌نگرفتن، از سر استیصال، جمله‌ای را به گوشی دخترش پیامک می‌کند و آن جمله این است «جان پدر کجاستی؟» جمله به ظاهر پرسشی است؛ اما پرسشی در کار نیست، چون مخاطبی ندارد. امیدی به پاسخ نیست؛ چون می‌داند کجاست.

در این جمله عشق و درماندگی و عاطفه پدری در قالب جمله‌ای فشرده و آهنگین نمایان می‌شود و این همان تعریفی است که از شعر وجود دارد.

مجموعه ۵ جلدی برگزیده قلم زرین

کتاب‌های «مرا خوب آفریده» مجموعه‌ای پنج جلدی از طیبه شامانی است که به زبان شعر برای کودکان تولید شده است. طیبه شامانی در گفت‌وگو با فارس درباره کتاب جدیدش اظهار کرد: کتاب‌های «مرا خوب آفریده» مجموعه‌ای پنج جلدی است که به زبان شعر برای کودکان تولید شده است. این شاعر با بیان این‌که مجموعه «مرا خوب آفریده» را انتشارات جامعه‌القرآن منتشر کرده، ابراز کرد: هر کتاب شامل پنج شعر است که در هر شعر به ویژگی‌های خاص یک حیوان یا حشره پرداخته شده است. شامانی خاطرنشان کرد: کودکان بعد از خواندن هر کتاب از این مجموعه به قدرت خداوند و نشانه‌های او در زمین پی می‌برند. کتاب «هزار و ششصد و پانصد» از همین شاعر سال ۹۹ موفق به دریافت جایزه قلم زرین شد. این کتاب شامل ۱۰ شعر با موضوعات خدا، مسائل مذهبی، طبیعت و ایران است. شعرهایی درباره موضوعاتی همچون چه کسی تاربستن را به عنکبوت یاد داده است، یا این‌که چه کسی این درخت را با این برگ‌های زیبا و منظم آفریده است؟

نگاه تحلیلی به زندگی و اشعار شاعر معروف عرب به قلم مترجم برخی از آثارش به زبان فارسی

چرا ایرانی‌ها ناگهان شیفته نزار قبانی شده‌اند؟

نزار قبانی را همه می‌شناسند. همه دوستش دارند. در همه جای دنیا با سروده هایش عاشقی می‌کنند، کلمات شورانگیز او را همه جا منتشر می‌کنند و خاطرات عاشقانه‌شان را با شعرهای نزار عمق می‌بخشند. شعر او همان طور که خودش خواسته بود پرنده آوازخوانی است که جلوی پنجره همه خانه‌ها می‌نشیند و نغمه سر می‌دهد. هر خانه‌ای که پنجره‌اش رو به نغمه‌های شعر او باز باشد، از صدای دلنشین او بی بهره نخواهد بود و همان طور که ترجمه شعرهایش به زبان‌های مختلف زینت بخش کارت‌پستال‌ها و پیام‌های عاشقانه‌ای است که جوانان با هم رد و بدل می‌کنند، در محافل علمی و ادبی نیز نزار نام بی‌همتایی است و هر سال بیش از صد پایان‌نامه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در دانشکده‌های بزرگ عربی و جهانی پیرامون مسائل ذهنی و زبانی‌اش نوشته می‌شود. شعرهای او در ایران از سال‌ها قبل مورد توجه بوده و شاعران و مخاطبان حرفه‌ای ادبیات آثار او را می‌خواندند و دوست داشتند. اما چند سالی است که به لطف فضای مجازی، شعرهای او در میان عامه مردم جایگاه خوبی پیدا کرده است. اما نزار قبانی که بود و چرا شعرش اینچنین محبوب است؟

اصغر علی کرمی

شاعر و مترجم

کودکی نزار

نزار قبانی ۲۱ مارس ۱۹۲۳ در خانه‌ای از خانه‌های قدیمی دمشق به دنیا آمد. خودش در مورد روز تولدش می‌نویسد: «وقتی به دنیا آمدم زمین در حال زایمان بود و بهار داشت آماده می‌شد تا چمدان‌های سبزش را باز کند. زمین و مادرم همزمان باردار بودند و همزمان زایمان کردند. از همان آغاز با پدیده‌ای به نام آزادی آشنا شده و نخستین بارقه‌های عشق و وطن‌پرستی را از همان روزگار خردسالی به چشم می‌بیند.» او می‌گوید: «محله الشاغور که ما در آنجا زندگی می‌کردیم یکی از پادگان‌های مقاومت بود. بزرگان این محله از بازرگانان و صاحبان پیشه و کافه‌دارها از کافه‌ها و منازل خود در این محل، جنبش ملی را راه‌اندازی می‌کردند. پدر من، توفیق قبانی یکی از این مردان بود و خانه ما نیز یکی از این خانه‌ها. پس از جابه‌جایی از این محله نیز همچنان شور وطن‌دوستی به خانه جدیدشان اثاث‌کشی می‌کند.» در این‌باره می‌نویسد: «خانه ما در محله مئذنه الشحم نیز جایی بود که قرارهای سیاسی در آن پشت درهای بسته گذاشته می‌شد و نقشه‌های راهپیمایی‌ها و شیوه‌های مقاومت مردمی در آن طراحی می‌شد و ما از پشت در فریادها را می‌شنیدیم و چیزی از آن نمی‌فهمیدیم.»

پدر: معلم آزادی

داستان مبارزات پدر نزار از آغاز کودکی تا دستگیری پدرش، بلکه تا واپسین لحظات زندگی نزار که قلب پرشورش در بیمارستانی در لندن از تپیدن بازماند، با همین شدت و هیجان ادامه دارد. درباره دستگیری پدرش می‌گوید: «هنگامی که دیدم نیروهای ارتش سپیده‌دم با تفنگ و سرنیزه به خانه ما ریختند و پدرم را در ماشین زره پوش گذاشتند و به اردوگاه صحرایی تدمر بردند، فهمیدم که پدرم غیر از شیرینی‌پزی شغل دیگری داشته که پختن آزادی بوده است. فراموش کردم بگویم این دوگانگی شخصیت پدرم به من و شعرم نیز به طور کاملا واضحی انتقال یافته است.»

همچنین درخصوص تأثیر عمیق پدرش بر زندگی و تحصیلات و دیدگاهش می‌گوید: «پدرم مرد متفاوتی بود. در چشمانش فیروزه دریا و جنون گردباد را می‌دیدم. پدرم آمیزه‌ای بود از آتش و آب و من نیز این دو صفت را از او به ارث بردم. پدرم سازنده شیرینی و سازنده انقلاب بود. احساسات اسلامگرایانه و ملی‌گرایانه پدرم در فرستادن ما به مدرسه‌ای که در آن فرهنگ‌های عربی و فرانسوی با هم آمیخته بودند، نقش مهمی داشت و زبان فرانسه زبان دوم من شد؛ یعنی تأسیس مدرسه فرانسوی به ما کارت ورود به اندیشه اروپایی را داده و به ما این اجازه را داد که پیش از دیدن پاریس بتوانیم کمدی فرانسوی تماشا کنیم.»

مادر: آموزگار عشق

همان‌طور که شمایل آزادی را نخستین بار در خانه پدری به چشم دید، عطر خوش عشق را نیز در همان خانه بویید. درباره کودکی‌اش می‌گوید: «روبه‌روشدن با زیبایی جیره روزانه‌ام بود. هرگاه که پایم می‌لرزید بر بال کبوتری می‌افتادم و هرگاه که زمین می‌خوردم در آغوش گلی فرود می‌آمدم.»

سرمست از عطر گل‌های مادرش می‌گوید: «آیا معنای این‌که انسان در شیشه عطر زندگی کند را می‌فهمید؟ خانه ما همان شیشه عطر بود. من در همین کمربند سرسبز به دنیا آمدم و عاشق شدم و نخستین کلماتم را بر زبان راندم. و شعر که همنشین جاودان عشق و آزادی است، در همان خانه به خانه دل او راه پیدا کرد. کودکی ام را در زیر چتری از خنکی و سایه گذراندم که همان خانه قدیمی ما در مئذنه الشحم بود. درس‌هایم را روی یک تخت فرش ایرانی که در سرسرا انداخته بودیم خواندم و همان جا تکالیفم را نوشتم و قصیده‌های عمر ابن کلثوم و زهیر و نابغه ذبیانی و طرفه ابن‌عبد را حفظ کردم.»

زندگی نزار در چند تابلو

نزار پیش از آن که به ۱۶ سالگی برسد نوشتن شعر را آغاز کرد و نخستین دیوان شعرش را تحت عنوان زن سبزه‌رو به من گفت در سال ۱۹۳۹ منتشر کرد که مورد انتقاد سنت‌گرایان قرار گرفت. او در خصوص نگرش شعری خود و ارتباط آن با خون و خانواده‌اش نوشته است: «خون من شاهانه نیست بلکه خون مردم عادی است. مانند خون هزاران خانواده نیک سیرت دمشقی که با شرافت و پایداری و ترس از خدا نان روزانه‌شان را درمی‌آورند. این زبان شامی که در مفاصل کلمات من می‌جوشد را در خانه و زیر همان سایه‌بانی که پیش از این برایتان گفتم، آموختم. پس از آن به سفرهای بسیار رفتم و حدود ۲۰ سال به عنوان دیپلمات در مشاغل مختلف از دمشق دور شدم و لغات بسیار آموختم اما هنوز حروف الفبای دمشقی به انگشتانم چسبیده بود و به حنجره و لباس‌هایم. گویا میراث خاندانی بزرگ به من رسیده بود که شجره نامه‌اش از عمویم ابوخلیل قبانی آغاز می‌شد.

ابو خلیل قبانی یک فرهنگ لغت صد جلدی بود. قصه‌های بسیار نوشته و آنها را اجرا می‌کرد، فیلمنامه می‌نوشت و گفت‌وگوهای فیلمنامه را خودش می‌نوشت و خودش طراح لباس بود و خودش آواز می‌خواند و بازی می‌کرد و می‌رقصید و شعر هم به فارسی و عربی می‌سرود.»

نزار قبانی با پیشرفت زندگی و روی کار آمدن مدرنیته قدم به قدم پیش رفت. چند مجموعه شعر کوچک منتشر کرد و در تمام آنها رویکرد شعری خویش را ادامه داد. کتاب‌های بعدی نزار قبانی از جمله نقاشی با کلمات و حاشیه بر دفتر شکست اشغالگران در دادگاه شعر و شعرهای خارج از قانون از نظر ذهنی و جهان بینی با یک جهش جدی مواجه بودند. با انتشار این کتاب‌ها نزار به عنوان شاعری بزرگ در آسمان جهان عرب و در دنیای عشق شناخته شده و و شادی‌ها و اندوه مردم را به شعر در می‌آورد.

وی در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شادی بزرگ را به همراه اندوه بزرگ پشت سر گذاشت. در آن سال‌ها به چشم خویش دید که شعرش مانند پرنده‌ای، بر ایوان همه خانه‌ها می‌نشیند و آواز سر می‌دهد اما در همین سال‌ها بود که اندوه بزرگی در دلش نشست و پسرش توفیق که تازه ۲۰ ساله شده بود و در لندن مشغول تحصیل پزشکی بود از دنیا رفت و همسرش بلقیس نیز بر اثر انفجاری در سفارت عراق در بیروت جان سپرد.

نزار قبانی ۳۵ مجموعه شعر و نثر منتشر کرده که مجموعه آنها تحت عنوان آثار کامل شعر و نثر نزار قبانی در هفت جلد منتشر شده است. وی سرانجام بر اثر بیماری قلبی سال ۱۹۹۸ در لندن درگذشت.

شعر سیاسی نزار

از همان آغاز راه شاعری، به دلیل رویکردهای اعتراضی مورد هجوم قرار گرفت اما دست برنداشت و در مجموعه‌های بعدی خود قدم فراتر نهاد تا هر باره سیل دیگری از اعتراض‌ها را به جان بخرد. این اعتراض با انتشار مجموعه یادداشت‌هایی بر دفتر شکست و اشغالگران و شعرهای خارج از قانون که در آنها بسیاری از مسائل سیاسی روز از جمله شکست ارتش متحده عربی در برابر اسرائیل در سال ۱۹۶۵ و نیز پیمان صلح اعراب و اسرائیل را به باد انتقاد گرفته بود، موج شدیدتری از اعتراضات را علیه او برانگیخت. تا جایی که عده‌ای گفتند او روحش را به شیطان فروخته و نباید درباره وطن سخنی بگوید نزار در پاسخ به آنها گفت هرکس سر بر شانه معشوقش نگذاشته و گریه نکرده باشد، نمی‌تواند سر بر خاک وطن بگذارد و گریه کند. در واقع جلوه واقعی عشق در سروده‌های نزار قبانی را می‌توان در مادر، وطن و معشوق تعبیر کرد که باهم سه‌گانه تقدس و عشق و آزادی را رقم می‌زنند.

مادر که نخستین همزیست عاشقانه نزار قبانی است از آغاز کودکی روح و جان او را با پدیده دوست‌داشتن آشنا کرده است. همین تصور عاشقانه نزار از مادرش نخستین درک او را از پدیده‌ای به نام زن را رقم می‌زند. دیگر پدیده بزرگی که در تکوین نگاه نزار نقش دارد خواهرش هیفاء است که هنگام کودکی او، به خاطر آن که نمی‌خواست به یک ازدواج جبری تن بدهد خودش را در آتش می‌سوزاند و تا ابد شعله‌های خشم نزار را علیه ظلم به زنان برمی‌افروزد.

تجلی دیگر از معشوقه در شعر نزار قبانی وطن است. او درخصوص دمشق و بیروت و دیگر شهرهای عربی به ویژه خارطوم که مورد احترام و استقبال گسترده مردم و رئیس جمهور وقت سودان اسماعیل الازهری قرار گرفته بود با لحنی عاشقانه یاد می‌کند و همواره در شعرهای زیادی وطن را زنی به تصویر می‌کشد که مورد ظلم شوهر -کنایه از دولت‌ها و سازمان‌های عربی- قرار گرفته و او را با تنی برهنه زیر چنگ و دندان مردان نالایق به تصویر می‌کشد.

جالب این‌که خودش انگلیسی و فرانسوی و اسپانیایی می‌دانست و به ناشران و مترجمان پیشنهاد می‌کرد که شعرهای سیاسی او را ترجمه نکنند چراکه بر اساس واکنش لحظه‌ای احساسات او و ناهنجاری منطقه‌ای سروده شده است و اشعار عاشقانه‌اش ماندگارتر است. او می‌دانست عاشقانه‌سرایی در ضمیر انسان نسبت به شعر سیاسی گستردگی بیشتری دارد و شعر سیاسی به نوعی بیان عصبانی و زخم‌آلوده مسائل منطقه‌ای است و برای مخاطب بین‌المللی اهمیتی نخواهد داشت. به همین خاطر نسبت به شعرهای سیاسی او در میان مخاطبان جهانی اقبال کمتری وجود دارد و به جز چند شعر از جمله چکامه بلقیس که آن هم لحن عاشقانه و سوگنامه دارد، سروده‌های سیاسی نزار قبانی حتی به فارسی نیز ترجمه نشده است.

رویکرد اجتماعی

او می‌گوید کاری که برای زنان کرده‌ام این بود که آنها را ۴۰ سال به دوش کشیدم و شبیه کسی که روی مژه‌های چشم راه می‌رود، با آنها سفر کردم. من نام زنان را از فهرست غذاها درآورده و در فهرست گل‌ها نوشتم. نام زنان را از فهرست سرمایه‌ها و اموال درآورده و آن را بر سینه خویش گذاشتم.

همچنین در جای دیگری از خاطراتش می‌گوید: من شاعری هستم که ۵۰ سال برای عشق و آزادی و حق و حقیقت جنگیده‌ام. ۵۰ سال است که می‌جنگم تا دریا آبی باشد، درخت‌ها و جنگل‌ها برگ‌های بیشتری داشته باشند، انسان‌ها انسان‌تر باشند و آزادی بیشتر و عمومی‌تر.

نزار عشق را میدان نبردی یافته بود که در آن باید علیه کوته‌فکری و نادانی بجنگد و به عنوان شاعری سلحشور، بیان شاعرانه و زبان مردمی و همه‌پسندش را علیه دشمنان تاریخی‌اش به کار گرفت. او می‌گوید: می‌دانید چرا مردم و توده‌ها مرا دوست دارند؟ به خاطر آن است که من فاصله با وطنم را از میان برداشته‌ام. با عشق و دموکراسی زبان شعر مرا که چندان تفاوتی از نظر سادگی با گفتارهای روزانه آنها نداشت میان‌شان تقسیم کردم شاید به خاطر این باشد که من هرگز در نوشته‌هایم تقلب و دورویی و فریب مرتکب نشده‌ام و هیچ وقت در برابر فرمانروایی به غیر از خدا سر خم نکرده‌ام. و نیز می‌گوید: زبان من ساده است. زبان کوچک و بزرگ است و زنی کامل تا دختری جوان و مردی دانا و جوانی تازه بالغ و نیز کودک خردسال و پیرکهنسال با آن حرف می‌زنند.

نزار در ایران

نزار قبانی در ایران بیش از هر شاعر جهانی دیگری شهرت یافته است و در میان مخاطبان فارسی‌زبان، شاعر بسیار محبوبی به شمار می‌رود. از این رو ترجمه‌های بسیاری از آثار او انجام گرفته و پژوهش‌های بسیاری به شعر او پرداختند تا جایی که بررسی تطبیقی ترجمه‌های نزار قبانی یا کتابشناسی آثار ترجمه شده از او به زبان فارسی موضوع بسیاری از پژوهش‌ها و نیز پایان‌نامه‌های مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی و ادبیات عرب است.

کمتر شاعر معاصر ایرانی می‌توان یافت که لااقل در عاشقانه‌ها تحت تاثیر ذهن و زبان نزار و نیز پیشنهادهای شاعرانه او در ادبیات عاشقانه نباشد. بیش از هر چیز می‌توان زبان شعر او را به معنای شعر معاصر واقعیت تعبیر کرد و دلیل جذب مخاطب امروز شعر دانست. او در شعرش از کلمات روزمره استفاده می‌کند و خودش می‌گوید من اولین کسی هستم که جزئیات روز مانند روزنامه و کتاب و پرده و جاسیگاری و وسایل آرایش و عطر و مد را در شعر وارد کردم. از این دریچه شعر او شعر روزگار ماست. عمق تجربه زیستی و عاطفی نزار دلیل دیگری برای جذب مخاطب ایرانی است چرا که او چه به عنوان یک ادیب و ناشر و چه زمانی که کارمند وزارت خارجه بود، گوشه و کنار جهان را دیده و با فرهنگ‌های مختلف آشنایی داشت و از این نظر شعرش، دریچه‌ای جهانی رو به عاشقانه‌ها می‌گشود که مخاطب فارسی زبان را جذب می‌کند.

اما آنچه نباید نادیده گرفته شود شخصیت نزار قبانی به عنوان الگوی یک شاعر معاصر است که می‌تواند علت محبوبیت او باشد، به عنوان مثال شاید خیلی از آتش‌افروزان سعی کردند نزار را پس از مرگ بلقیس در سفارت عراق در بیروت که سال‌های جنگ ایران و عراق، اتفاق افتاد علیه ایرانی‌ها بشورانند و بگویند این ملت دست‌شان به خون همسر محبوبت آغشته است، ولی نزار هرگز کلامی را علیه ایران و ایرانیان روا نداشت و تنها سازمان‌ها و دولت‌های عربی را در مرگ بلقیس محکوم کرد و به صراحت از آن سخن گفت.

> کمتر شاعر معاصر ایرانی می‌توان یافت که لااقل در عاشقانه‌ها تحت تاثیر ذهن و زبان نزار و نیز پیشنهادهای شاعرانه او در ادبیات عاشقانه نباشد

چند شعر از نزار قبانی

محبوب من

محبوب من / تا تو گنجشک کبود رنگ من باشی / خداوند در آسمان خواهد بود

غول چراغ

اگر غول از چراغ بیرون بیاید / و بگوید: بلی / تنها یک دقیقه وقت داری تا هرچه می‌خواهی را به من بگویی / بی گمان / از میان تمام یاقوت‌ها و زمردهای جهان / چشمان تو را خواهم خواست

تفاوت

دل آرامم از من می‌پرسد: چه تفاوت میان من و آسمان است؟/ می‌گویم: آرام جانم / تفاوت تو و آسمان آن‌گونه است / که وقتی تو لبخند می‌زنی / آسمان را فراموش می‌کنم

قلب من

خداوندا قلب من دیگر گنجایش ندارد / زیرا آن که دوستش دارم به اندازه دنیاست / دیگری را در قلب من بگنجان

که مساحتش به اندازه دنیا باشد

تاریخ تولد

هنوز از من درباره تاریخ تولدم می‌پرسی / بنویس که دیگر جای انکاری نباشد / تاریخ تولد من تاریخ دوست داشتن تو است

کدام‌تان؟

کدام دلخواه ترید؟/ شعر من و چهره تو / دو قطعه طلا هستند / دو کبوتر / دو شکوفه صورتی / و هنوز سردرگم‌ام / کدام یک از شما / کدام‌تان دلخواه‌ترید